

## آموزه‌هایی از جنگ ناهم‌تراز «گذشته تا حال»

علیرضا سعادت‌راد<sup>۱</sup>

### چکیده:

بدون تردید فناوری نظامی ناشی از تکنولوژی، در مقابله با تاکتیک ناشی از تفکر و ایده هوشمندانه به شدت دچار چالش گردیده، به گونه‌ای که قابلیت ذهن برتر به عنوان یک تفکر غالب، راهبرد دفاعی را به سمت و سوی بازدارندگی سوق داده است. با نگرش به تاریخ جنگ‌ها، چنین استنباط می‌شود که جنگ ناهم‌تراز از دیر باز وجود داشته و به فراخور سطوح جنگ مورد استفاده قرار گرفته است. مقاله حاضر تلاش می‌نماید ضمن بررسی برخی اقدامات عمده جنگ ناهم‌تراز، تأثیرات عمده این اقدامات را در جنگ‌های گذشته و آینده بیان نماید.

**کلید واژگان:** اندیشه و تکنولوژی، تاکتیک نامتعارف، مدیریت اطلاعات

### مقدمه:

بررسی تاریخی در زمینه ارتش‌ها و چگونگی نبرد آن‌ها در دوران مختلف نشان می‌دهد آموزش‌ها، سازماندهی و استراتژی نظامی و جنگی آن‌ها همواره در مواجهه با فن‌آوری‌های ناشی از تفکر و ایده هوشمندانه و خلاق، دچار نوعی چالش و تحول شده است. در جنگ جهانی اول، بروز انقلاب صنعتی باعث شکل‌گیری جنگ‌های فرسایشی، همچنین ایجاد ارتش‌های بزرگ و مجهز شد پس از حرکت جهان به سمت مکانیزه شدن، جنگ جهانی دوم جولانگاه سلاح‌های کشتار جمعی و تجهیزات مدرن و پیشرفته جنگی شد. اما گرایش به ابتکار در تاکتیک حاکی از ظهور نوعی تازه و متفاوت از عملیات جنگی است که در آن وسعت ارتش‌ها، قابلیت تحرک آن‌ها و سلاح‌های پیشرفته کشتار جمعی نقش اصلی را بازی نمی‌کنند، بلکه برخورداری از اطلاعات و اتکا به قدرت فکر و ذهن، توان رزمی و تاکتیکی ارتش‌ها را مشخص می‌کند و میزان موفقیت آن‌ها در میدان نبرد را تضمین خواهد کرد. به بیان دیگر بهره‌مندی از قدرت ایده و اندیشه

---

۱- کارشناس ارشد مدیریت و عضو گروه محققین ستاد آجا

۸۸..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹  
باعث می‌شود تا یک نیروی نظامی، قادر به سردرگم کردن دشمن و ضربه زدن به نقاط حساس آن  
شود. این مورد تا حدود زیادی از تلفات و زمان بری جنگ‌ها کاسته و نتایج سریع‌تری را برای  
فرماندهان نظامی به همراه می‌آورد.

### جنگ اندیشه و تکنولوژی

در طول تاریخ حیات بشر، به کرات شاهد تغییر سبک‌های نظامی و دفاعی و همچنین  
انقلاب‌هایی بزرگ در امور نظامی بوده‌ایم. در حقیقت، مجموعه‌ای از تغییرات اساسی در  
سبک‌های نظامی و دفاعی است که موجب تحول و انقلاب در امور نظامی می‌شود. بررسی روند  
تکامل و تغییر سبک‌های نظامی در طول تاریخ، نشانگر آن است که برخی تحولات اقتصادی،  
اجتماعی و به ویژه فناورانه موجب تغییر سبک‌های نظامی و دفاعی می‌شوند. از این رو، می‌توان  
تغییرات و تحولات فناورانه را به عنوان یکی از پیش‌ران‌های اصلی تغییر سبک‌های نظامی و  
دفاعی برشمرد. به عنوان مثال اختراع کمان در فناوری نظامی تحول بزرگی را به وجود آورد.  
مکانیسم اصلی این سلاح تبدیل انرژی پتانسیل به انرژی جنبشی بود و میزان کارایی آن، به قدرت  
بازوی کماندار و میزان دقت آن به نوع و جنس پیکان و کمان بستگی داشت. یکی از ویژگی‌های  
این سلاح به کارگیری تاکتیک‌های مناسب با این فناوری بود که منجر به رشد پیاده نظام و تحرک  
بیشتر آن گردید. در حقیقت کمان به عنوان یک فناوری اولیه قابل کاربرد در امور نظامی و  
دفاعی، تأثیرهای شگرف در روش‌ها و تاکتیک‌های جنگی آفندی و پدافندی در آن دوران را  
ایجاد کرد و موجب تغییری اساسی در سبک نظامی آن دوران شد (زهتاب سلماسی، ۱۳۸۶: ۱-۲).  
در مجموع در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت تغییرات مداوم تکنولوژیک در محیط  
موجب مباحثات جدی در مورد توان تدافعی یا تهاجمی سلاح‌ها می‌شود. گاهی نظیر جنگ جهانی  
دوم تهاجم و گاهی نظیر جنگ اول جهانی نوع سلاح‌ها دفاع را تحمیل می‌کند. اما دیدگاه‌های  
متفکران و صاحب‌نظران نظامی قرن بیست و یکم در باره آینده مسایل نظامی با یکدیگر در  
تعارض می‌باشد برای نمونه بر اساس "تئوری برتری تکنولوژیک"<sup>۱</sup> چنین به نظر می‌رسد که

---

<sup>1</sup> Technological Superiority Theory

آموزه‌هایی از جنگ ناهم‌تراز "گذشته تا حال" ..... ۸۹

کارایی بسیار بالای هواپیما، بمب‌های هوشمند، موشک‌های دور برد، حساسه‌های الکترونیکی، تسلیحات اتمی و لیزری، افزوده شدن بعد چهارمی برای جنگ علاوه بر هوایی، زمینی و دریایی یعنی "فضا" همچنین تأمین ارتباطات ماهواره‌ای و فناوری پیشرفته رایانه‌ای می‌تواند جرأت حمله را از دولت‌ها و کشورهای با توان و قدرت کمتر بگیرد که به موجب آن دفاع از منافع ملی با توسعه سیستم‌های کارآمد صنعتی و آموزش نیروهای نظامی برای استفاده بهینه از آنها از مهم‌ترین معضلات این قبیل کشورها می‌تواند به شمار رود (گروه تحقیق و تألیف ماهنامه نگاه، ۱۳۸۲).

از سوی دیگر طبق "تئوری هوش سرشار" <sup>۱</sup> می‌توان هرگونه مانع حاصل از برتری تکنولوژیکی را با اتکا به خلاقیت‌های فردی و گروهی و همچنین هوش سرشار و عزم جدی از پیش رو برداشت. برای نمونه فرار موفقیت‌آمیز گروه‌های مبارز از شکاف‌های انسداد و کنترل سیستم‌های امنیتی و الکترونیکی، نقش ذهن برتر را در یافتن نقاط ضعف فناوری و در نتیجه رسیدن به اهداف خود به خوبی نشان می‌دهد. این نکته نشان می‌دهد تاکتیکی که با اتکا به فکر و ذهن و هوش سرشار انتخاب شود می‌تواند در صحنه نبردهای آینده، تئوری برتری تکنولوژیکی را به چالش بکشد. بر این اساس کارشناسان جنگ پیش‌بینی می‌کنند که در جنگ‌های قرن بیست و یکم، تاکتیک بسیار مهم خواهد بود زیرا ماهیت جنگ در حال تغییر است و در واقع توجه و گرایش به رویکرد جنگ ناهم‌تراز که ساده‌ترین مفهوم آن "استفاده نامتعارف و غیر معمول هوشمندان از ابزار و نیروهای عادی و غیر متعارف برای دست‌یابی به اهداف بزرگ با هزینه کمتر" است، جنگ‌های آینده را عرصه رقابت تاکتیک، ناهم‌تراز خواهد کرد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۷).

در همین راستا سان‌بین در کتاب هنر گم‌شده جنگ می‌نویسد: وقتی تاکتیک‌های متعارف به طور غیر منتظره بنا به وضعیت ایجاد شده، تغییر پیدا کنند این تاکتیک‌های دگرگون شده به عنوان یک عامل غافلگیر کننده محسوب شده و ارزش استراتژی افزوده‌ای پیدا می‌کنند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۳۱).

---

<sup>1</sup> Mental Agility theory

## آموزه‌های قدیم

با نگرش به تحولات گذشته و حال چنین استنباط می‌شود که استفاده از شیوه‌ها و تاکتیک ناهمتر از در جنگ‌های صدر اسلام، جنگ‌های ایران زمین، هشت سال دفاع مقدس و همچنین در جنگ‌های اخیر به منظور بازدارندگی و مقابله با تهاجم دشمن به وفور در دستور کار بوده است.

در جنگ صدر اسلام با توجه به تعداد اندک مبارزین مسلمان در برابر تعداد کثیر کفار تاکتیک آرایش مثلث توسط حضرت رسول اکرم (ص) اتخاذ گردید. فتح مکه که بدون خون‌ریزی با پیروزی مسلمانان خاتمه یافت نمونه‌ای از تدبیر عالی تاکتیک ناهمتر از (عملیات فریب) پیامبر (ص) در مقابله با کفار بود بدین ترتیب که به سپاهیان اسلام دستور فرمودند در ارتفاعات مکه به هنگام شب هر یک از مسلمانان یک آتش روشن نمایند که این امر موجب فریب جاسوسان کفار گردید پس از آن ابوسفیان بر مبنای گزارش جاسوسان خود از برآورد تعداد سپاهیان اسلام دچار وحشت شده و بدون هیچ‌گونه درگیری تسلیم رهبر مسلمانان گردید که بدین ترتیب مکه بدون خون‌ریزی فتح شد. (سبحانی، ۱۳۵۱، جلد ۲: ۷۱۶).

این در حقیقت همان مصداق گفته سون تزو یکی از ژنرال‌های بزرگ و طراح و استاد هنر جنگ در چین باستان که در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته می‌باشد که: «آنهائی که در هنر جنگ تبحر و مهارت دارند، ارتش دشمن را بدون جنگ وادار به تسلیم می‌کنند و شهرها را بدون خون‌ریزی و حمله به تصرف خویش در می‌آورند و دولت‌ها را بدون دست زدن به عملیات نظامی درازمدت سرنگون می‌کنند» (تزو، ۱۳۸۳: ۵۹).

ایرانیان پارسی با به کارگیری سواران کماندار و بسیار چابک، رومیان با به کارگیری نیزه‌های بلند در جنگ‌ها، مغولان با حملات برق‌آسا و تحرک فوق‌العاده نبردهای خود را در قواوه‌های ناهمتر از اداره می‌کردند و در سال‌های اخیر عملیات چریکی با تکیه بر روش‌های جنگ فرسایشی و شهادت طلبی، در جنگ‌هایی مانند نبرد خلقی مائوئیستی، انتفاضه فلسطینی‌ها، مبارزان ایرلندی، چچنی، افغانی و گروه‌های وابسته به سازمان القاعده در گوشه کنار دنیا از راهبرد ناهمتر از همواره سود می‌جستند بدین ترتیب مشخص می‌شود که عمر جنگ ناهمتر از به درازای خود جنگ است به همین دلیل است که دشمنان ما از جنگ ناهمتر از با نام روش قدیم و نگرانی جدید یاد می‌کنند

آموزه‌هایی از جنگ ناهم‌تراز "گذشته تا حال"..... ۹۱  
و در این خصوص به پژوهش و بررسی‌های گسترده‌ای در ابعاد مختلف دست زده‌اند (حیسی، ۱۳۸۷: ۳۱).

از جمله در بررسی جنگ‌های وطنی این نکته روشن شده است که به دلیل تبعیت توده‌های مردمی از فرهنگ انبیاء الهی و غالب بودن فرهنگ و ایدئولوژی دینی، دفاع سرزمینی متکی بر دو عنصر تأثیرگذار وطن‌گرایی و دین‌محوری بوده است. نقش مردم در اندیشه‌های و حیانی انبیاء و رجوع مکرر و اساسی و حتی محوری مبنی بر حضور مداوم توده‌ها در همه عرصه‌ها از ویژگی‌های ذاتی انبیاء الهی و رهبری دینی بوده است. اساس قدرت دفاعی بر پایه همین نگرش یعنی کشاندن جنگ به سطح توده‌های مردمی و به‌کارگیری مؤلفه‌های قدرت ملی با تحقق شعار از مردم برای مردم علیه دشمنان آن‌ها شکل می‌گیرد. اتفاقاً این نکته در اندیشه‌های استراتژیست معروف کلازویتس نیز مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است و از آنجا که سطح جنگ را متأثر از سه عنصر مردم، حاکمیت سیاسی و فرماندهان نظامی می‌داند تعیین اهداف از وظایف حاکمیت سیاسی، هدایت جنگ به عهده فرماندهان نظامی است و انتخاب نوع جنگ و چگونه جنگیدن نقشی است که توده‌های مردمی بر عهده دارند. بر همین اساس است که مرکز ثقل عملیات روانی و جنگ اطلاعات متوجه هسته مقاومت و شکل‌دهی جنگ‌ها یعنی توده‌های مردم است. بررسی اجمالی تاریخ جنگ‌ها بر این نکته صحه می‌گذارد که کم‌رنگ شدن نقش مردم در اداره جنگ و تقویت فرهنگ دفاع و جنگاوری، آسیب‌های جدی را متوجه حاکمیت ملی و سیاسی می‌نماید امری که فرهنگ دینی آن‌را با مفهوم عبادی "جهاد" همراه ساخته و لذا توانسته از یک عمل به ظاهر خشونت بار، به یک معنای عبادی و حتی عارفانه جهاد برای رسیدن به مفهوم لقای خداوند با فرهنگ جهاد و شهادت برسد. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ». (بقره - ۱۹۳ و همین‌طور در سوره انفال - ۳۹ مورد تأکید مجدد قرار گرفته است: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...» با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد...».

همین نکته ظریف باعث شده که از حزب‌الله لبنان در دیدگاه اندیشمندان غربی یک جنبش پست مدرن نقش بسته است. دکتر کریستوفر در مقاله خود به نام «جنگ ناهم‌تراز اهداف و یا وسیله‌ها» به این نکته ظریف اشاره می‌کند "حزب‌الله مثال بارز یک جنبش جدید است و آنچه آنرا هولناک می‌سازد این است که کاملاً یک جنبش پست مدرن است. در طول ده سال گذشته همواره موفق

۹۲..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹  
بوده است در حالیکه سازمان آزاد فلسطین شکست خورده است. سازمان آزاد فلسطین باقیمانده  
یک مدل قدیمی با شیوه غربی با تفکر غالب سکولار بوده تحت حمایت شوروی سابق، ولی  
حزب الله یک سازمان جدید، مستقل و کاملاً مذهبی، پست مدرن و یک سازمان با قدرت تطبیقی  
بالا می باشد" (السن، ۱۳۸۴: ۳۸۸).

## تجارب نوین

در جنگ ۳۳ روزه، علاوه بر تکیه به آموزه‌های قدیم چهره جدیدی از جنگ آشکار شد در  
این جنگ معلوم شد که عناصر معنوی جنگ مانند توکل به خدا، شجاعت، تدبیر، عقل،  
هوشمندی، حفظ وحدت و یکپارچگی ملت، استقامت، تلاش برنامه‌ریزی شده مداوم و پیوسته،  
در کنار بهره‌گیری از آموزش‌های نظامی و تکنولوژی روز همچنان از ضریب تعیین کننده‌ای در  
تعیین سرنوشت جنگ برخوردار است و می‌توان با هزینه‌ای ناچیز، ارتش‌های بسیار سنگین و  
پیشرفته‌ای را مغلوب کرد.

ایمان و اعتماد کم نظیر و کامل مردم لبنان به حزب الله و رهبر جاودانه تاریخ ۱۰۰ ساله جهان  
عرب یعنی سید حسن نصرالله و پایداری تمامی مردم از اقوام و مذاهب مختلف، موجب خلق  
دستاوردی چشمگیری هم در ابعاد نظامی و داخلی لبنان و هم ابعاد بیرونی و بین‌المللی برای این  
کشور گردید. در صحنه داخلی هرگونه مجال را از عناصر مزدور خارجی و سران برخی از احزاب  
و دولت مردان لبنانی که از قبل برای قربانی کردن حزب الله در این جنگ با رژیم صهیونیستی و  
آمریکا به توافق رسیده بودند، سلب کرد و علاوه بر این موجب بالا رفتن سطح تحمل مردم در  
هنگامه وارد شدن فشارهای شدید روانی ناشی از بمباران‌های سنگین شهرها که منجر به قطع آب،  
برق و شهید و مجروح شدن صدها نفر در هر روز شده بود، گردید به نحوی که مردم لبنان در زیر  
آتش و دود و در کنار شهدا و زخمیان خود فقط و فقط برای سلامتی سید حسن نصرالله دعا  
می کردند (اسدالهی، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۰۵).

آنچه که حزب الله به آن رسیده برگرفته از الگوی موفق دفاعی ایران به نام دفاع ولایی، ولایت  
فقیه که از سه مؤلفه رهبری و مرجعیت مقتدر دینی، جنگاوران ایمانی توده‌های مردمی و  
به کارگیری فناوری تأثیرگذار، تشکیل شده می‌باشد. فرهنگ دینی مردم زمینه را برای تأثیرپذیری

آموزه‌هایی از جنگ ناهمتراز "گذشته تا حال" ..... ۹۳

و قدرت سازی با نفوذ علم فقاقت، فلسفه وحیانی با پذیرش علم تجربی و فناوری مدرن آماده کرده است لذا یک اصل فلسفی " کثرت و وحدت " به ظاهر مستقل از عملیات نظامی ابزاری برای شکل گیری گروه‌های رزمی برای تحقق کثرت در مرتبه‌های عملیات رزمی، و وحدت در نتیجه، می تواند تبدیل شود. محققاً اصل وحدت وجود، ضمن اثبات حاکمیت اقتدار الهی در همه اشیاء و حقایق و پدیده‌ها می تواند در راستای اصالت بخشی به هدایت الهی انبیاء به عنوان مرجع ایمانی و دینی، حضور مقتدرانه مرجعیت دینی را در حوزه سیاست، حاکمیت و جنگ که از اساسی ترین موضوع حیات یک ملت است به راحتی توجیه کند (السن، ۱۳۸۴: ۴۰۳).

از بعد مادی نیز با نگاهی گذرا به جنگ‌های تکنولوژیک چند دهه اخیر «تکیه بر محوریت فناوری و تکنولوژی تا آنجا که بر همین مبنا نسل‌های جنگ را بر محور تغییرات آن تقسیم بندی کرده‌اند» و اجماع بین المللی علیه کشورهای کمتر توسعه یافته و به عبارتی کشورهای که تأمین کننده منابع انرژی، مواد معدنی، نیروهای انسانی کارگر و غیره کشورهای توسعه یافته هستند می توان دریافت که فشارهای وارده به کشورهای مزبور ماهیت جنگ‌های آینده را تغییر داده است. یک جنبه گرایی در فناوری اطلاعات و عدم تقارن و موازنه توان نظامی در میادین نبرد، برخی کشورها را بر آن داشته تا به شیوه‌های مختلف در پی ضربه زدن به نقاط دشمن قوی تر از طریق جنگ ناهمتراز شوند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۳۱).

به نقلی دیگر می توان گفت وابستگی شدید پنتاگون به تکنولوژی بالا باعث می گردد که دشمنان آینده سعی در به کارگیری اقدامات نسبتاً ساده به هدف تبدیل سلاح‌های پیشرفته آمریکا به سلاح‌های ساده و فقط قابل استفاده در میدان جنگ بنماید و سپس با استفاده از سلاح‌های ساده و سنتی خود، با این سلاح‌های مدرن مقابله کنند. به عنوان بارزترین تجربه در این زمینه می توان از عملیات آمریکا در سومالی یاد کرد. این عملیات کاملاً بر خلاف تجربه به دست آمده در خلال جنگ خلیج فارس ظاهر شد. جنگ خلیج فارس به آمریکایی‌ها توهم شکست ناپذیر بودن بخشیده بود و شاید حتی این امکان را برای آنان فراهم کرده بود تا شکست ویتنام را به فراموشی بسپارند.

مداخله در سومالی با پیاده شدن اولین نیروهای آمریکایی از کشتی آغاز شد که مستقیماً توسط خبرنگاران شبکه‌های بزرگ خبری تلویزیونی آمریکا فیلم برداری گردید. این امر نشان می دهد که آمریکایی‌ها انتظار هیچ گونه مقاومتی را در سواحل سومالی نداشتند. این عملیات که به

۹۴..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹

خوبی آغاز شده بود در سوم اکتبر ۱۹۹۳ به صورت غم‌انگیزی خاتمه یافت. در آن روز آمریکایی‌ها بهترین یگان ویژه خود یعنی رنجرها و نیروهای دلتا (Delta Force) را برای دستگیری معاونان رهبر نظامی سومالی "محمد عیدید" اعزام کردند. در این عملیات ۱۸ نفر از نیروهای آمریکا کشته و ۷۰ نفر از آن‌ها به شدت زخمی شدند. چگونه چنین شکستی می‌توانست بر نیروهای زنده آمریکا تحمیل شود؟ قبل از هر چیز این سومالیایی‌ها بودند که محل رویارویی یعنی شهر موگادیشو را انتخاب کردند، مکان بسته‌ای که قدرت آتش آمریکایی‌ها در آن کاملاً کنترل و مهار شده بود. در همان روز سومالیایی‌ها موفق شدند چهار فروند بالگرد آمریکایی را مورد اصابت قرار دهند و عملیات کماندوهای آمریکایی را کاملاً فلج کنند. این واقعیت که چند بالگرد آمریکایی ساقط شده بودند نباید چندان غافلگیر کننده باشد، چرا که این وسایل آسیب‌پذیر هستند اما اینکه آن‌ها از سلاح "آر. پی. جی. ۷" (R.P.G-7) برای این کار استفاده کردند نشان می‌دهد که ابتدایی‌ترین سلاح نیز اگر به روش ابتکاری و شجاعانه به کار گرفته شود می‌تواند ویرانگر باشد.

نقص اصلی این سلاح مانند اغلب این گونه سلاح‌ها این است که به هنگام استفاده، بر اثر عکس‌العمل پرتاب نارنجک، یک آتش عقبه بزرگ در پشت سر تیرانداز ایجاد می‌شود که می‌تواند بسیار خطرناک و حتی مهلک باشد. این پدیده باعث می‌گردد که، از سلاح "آر. پی. جی. ۷" در فضاها بسته استفاده نشود. همچنین به دلیل خطر از دست دادن پاهای تیر انداز، شلیک هوایی این سلاح توصیه نشده است سومالیایی‌ها به کمک اسلام‌گرایان سودانی که دارای تجربه جنگی علیه شوروی سابق در افغانستان بودند این مشکلات "آر. پی. جی. ۷" را حل کردند. آن‌ها چاشنی خرج گود را که می‌توانست در لحظه تماس و اصابت با هدف منفجر شود با یک ماسوره زمانی که امکان انفجار را در مجاورت بالگرد فراهم می‌کرد، تغییر دادند. این کار مؤثرترین وسیله برای پاسخ به مشکل تحرک بالگرد بود. به علاوه، اسلام‌گرایان سودانی به سومالیایی‌ها یاد داده بودند که ترجیحاً می‌بایست به پروانه بالگرد یعنی ضعیف‌ترین نقطه بالگرد شلیک نمایند. مشکل آتش عقبه نیز با یک لوله ۹۰ درجه‌ای که آتش عقبه آن را منحرف می‌کرد حل شد و بدین ترتیب امکان استفاده عمودی از این سلاح نیز فراهم گردید.



آموزه‌هایی از جنگ ناهمتر از "گذشته تا حال"..... ۹۵

سومالیایی‌ها با "آر.پی.جی ۷" بهینه سازی شده، در حالی که در کوچه‌های تنگ به صورت پراکنده پنهان شده بودند، در انتظار بالگردهای آمریکایی بودند؛ لذا این وسیله ساده، که از روی سلاح‌های کاملاً قدیمی و با تغییراتی هنرمندانه ساخته شده بود، به چند رزمنده امکان داد تا شکستی سنگین را به قدرتمندترین ارتش جهان تحمیل نمایند. در مقابل بالگردهایی به ارزش میلیون‌ها دلار، چریک‌های سومالیایی با سلاح‌هایی به قیمت چند دلار وجود داشتند و با این وجود توانستند برنده نبرد باشند. علاوه بر این، سومالیایی‌ها در خلال این جنگ از یک سامانه ارتباطی استفاده کردند که از تعرض فناوری آمریکایی‌ها مصون بودند. جوانان دونده پیام‌رسان، جهت انتقال پیام از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر مورد استفاده قرار می‌گرفتند. هیچ ابزار ارتباطی و یا دیدبانی، هیچ سامانه ماهواره‌ای و هیچ شبکه‌ای مانند «اشلون» قادر به مقابله با این راه کارهای ناهمتر از و غیر قابل رؤیت نمی‌باشد. شگفت آور اینکه این گونه وسایل ابتدایی جنگ، که استراتژیست‌های اروپایی و آمریکایی برای چندین قرن آن‌ها را به فراموشی سپرده بودند، بر فناوری پیشرفته فائق آمد. به راستی اگر سومالیایی‌ها موشک‌های ضد هوای قابل حمل (دوش پرتاب) قوی‌تر در اختیار داشتند چه اتفاقی می‌افتاد؟ بسیاری از منتقدین پاسخ خواهند داد که در آن صورت آمریکایی‌ها جرأت حمله به سومالی را نداشتند (کورمونت، ۱۳۸۵: ۱۲۷-۱۲۳).

در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس عراق نیز تعدادی اقدامات ضد رادار با تکنولوژی پایین مانند به کارگیری بازتابنده‌های آلومینیومی برای سردرگم نمودن رادارهای هدف‌یاب و موشک‌های حرارتی به جهت فریب حساسه‌های مادون قرمز که بسیار ارزان و به سادگی قابل استفاده هستند را به طور آگاهانه و چند مورد را به طور غیر ناآگاهانه و ارادی به خدمت گرفت. اگر چه این اقدامات تأثیر چندانی بر روی نتیجه جنگ نداشت ولی باعث کم شدن تأثیر بعضی از سلاح‌های مدرن با تکنولوژی بالای آمریکا شدند برای مثال اقدام نیروهای عراقی به جهت استفاده از ماکت‌های موشک اسکاد که پر از گازوئیل شده بودند تا نمایانگر انفجار واقعی آن‌ها در موقع حمله نیروهای متحد آمریکائی باشد.

مورد دیگر اینکه عراق با به کار بردن شبکه ارتباطی فیبر نوری وسیع زیرزمینی به جای استفاده از ماهواره یا رادیو مانع از استراق سمع شبکه ارتباطی خود به وسیله تلاش سنجیده آمریکا شد این شبکه به راحتی قابل قطع شدن نبود. به کارگیری فریبنده‌ها در قسمت سر جنگی موشک‌های اسکاد

۹۶..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹  
که برد آن‌ها نیز افزایش یافته بود موجب سر درگمی سیستم‌های هدایت موشک‌های ضد موشک پاتریوت شد و در نتیجه تعدادی از آن‌ها موفق عمل کردند.

با توجه به اتکا بیش از حد آمریکا به سیستم‌های رایانه‌ای و پیشرفت فوق تصور در این زمینه آسیب‌پذیری‌های مربوطه را نیز متصور می‌نماید. واضح است که دشمنان و یا گروه‌های مبارز ممکن است با استفاده از برنامه‌ها و نرم‌افزارهای خاص سعی در ناتوان کردن سیستم‌های رایانه‌ای نظامی آمریکا بنمایند. این حقیقت که هکرهای جوان توانسته‌اند وارد شبکه رایانه‌ای نیروی دریایی آمریکا و ناسا بشوند آشکار می‌سازد که شبکه‌های رایانه‌ای دشمن علیرغم حفاظت بالا قابل نفوذ می‌باشند.

سیستم جنگ‌افزارهای قابل برنامه‌ریزی نیز ممکن است در مقابل ویروس‌های رایانه‌ای کپی‌ساز خودکار که کلیه اطلاعات را پاک می‌کند آسیب‌پذیر باشد بگفته وزیر دفاع وقت کوهن «ما باید تلاش و توجه بیشتری به این نکته بنماییم که وابستگی شدید ما به تکنولوژی می‌تواند به راحتی با استفاده از اختلال‌های ساده غیر قابل استفاده گردد».

خطر مهاجمان شبکه‌ای و رایانه‌ای می‌تواند به بخش خصوصی نیز سرایت نماید. کشور آمریکا به عنوان رایانه‌ای‌ترین کشور دنیا شدیداً به تعداد زیادی از شبکه‌های رایانه‌ای و بانک‌های اطلاعاتی برای عملیاتی نگه‌داشتن تأسیسات حساس خود وابسته است. این تأسیسات شامل شبکه تقسیم برق و انرژی، حمل و نقل، بانکداری و مسایل مالی، شبکه آب رسانی، خدمات اضطراری، ارتباطات از راه دور و در کل گرداندن امورات کشور می‌باشد. این وابستگی آمریکا را بالقوه در مقابل حملات رایانه‌ای بر علیه شبکه‌های حساس دولتی و مؤسسات دیگر آسیب‌پذیر می‌نماید که البته این حملات رایانه‌ای برای اختلالات عمده و ایجاد هرج و مرج مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دشمنان پیشرفته‌تر آمریکا ممکن است سعی نمایند در سیستم انتشار امواج ماهواره‌های موقعیت‌نما که به هدایت بسیاری از سلاح‌های هدایت شونده کمک می‌کند یا در شبکه و گلوگاه‌های حساس فرماندهی کنترل و ارتباطی مانند ترمینال‌های ماهواره‌ای و ایستگاه‌های سوئیچینگ اختلال ایجاد نمایند و از خط خارج کردن تعداد کمی از این گلوگاه‌ها و نقاط برخورد شبکه‌های ارتباطی و فرماندهی ممکن است شبکه‌های عظیمی را که عملیات آمریکائی‌ها را پشتیبانی می‌نماید از کار بیندازد (ماهنامه اندیشگاه شریف و اندیشکده کاوشگران آینده، ۱۳۸۴).

## مدیریت اطلاعات و ارتباطات

جان پیترز در کتاب "معماری نظامی آمریکا بر پایه نظم نوین جهانی" می‌نویسد: امروزه هیچ کشوری تصور نمی‌کند که به صرف داشتن یک فناوری نظامی برتر و ترکیب مناسب نیروها می‌تواند بر دشمن غلبه کنند بلکه همه به خوبی می‌دانند که باید باتکیه بر یک استراتژی نظامی تلاش نمایند تا شرایط جنگ را به نفع خود هدایت کنند. در دنیای آشفته امروزی جنگاورانی حرفه‌ای در حال شکل‌گیری و توسعه هستند که در استفاده از تاکتیک‌های نامتقارن جنگ اطلاعات بسیار ماهر و زبر دست شده‌اند آن‌ها به طور ماهرانه‌ای قادر به دستکاری در جعل اسناد، انتشار اخبار رادیویی و همین‌طور جعل عکس و فیلم‌ها و قطع خطوط ارتباطی اینترنت هستند. امروزه گستره اطلاعات برای حملات ناهمتراز میدان‌های نبرد جدیدی را در سراسر دنیا گشوده است. کارشناسان فناوری اطلاعات عقیده دارند در جنگ‌های آینده، گروه‌های کوچک نظامی که با استفاده از آخرین تجهیزات اطلاعاتی و ارتباطی در جنگ‌ها شرکت می‌کنند، می‌توانند ارتش‌های تا بن‌دندان مسلح به سلاح‌های جنگی را از پای در آورند. در واقع نیروهای نظامی عصر اطلاعات با بهره‌گیری از اطلاعات به موقع و دقیق از موقعیت و برنامه‌های دشمن، به دانش برتر برای اهداف استراتژیک خود دست می‌یابند و با این ابزار قوی قادر به شناسایی دقیق نقاط قوت و ضعف طرف متخاصم و تصمیم‌گیری سریع در مورد نحوه حمله به آن خواهند بود (پیترز، ۱۳۷۸: ۹۸).

بارزترین مصداق مطالب فوق چهار هفته نبرد سنگین ارتش کلاسیک، منظم، مجرب، آموزش دیده و تا بن‌دندان مسلح اسرائیل با چریک‌های حزب‌الله در جنوب لبنان بود که نشان داد که حتی با برتری کامل تسلیحاتی نمی‌توان به نتایج از پیش طراحی شده امیدوار بود. این جنگ از آن جهت نابرابر بود که در یک طرف آن بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی با پشتیبانی کامل تسلیحاتی، لجستیکی، اطلاعاتی و سیاسی و دسترسی کامل به منابع مالی و حمایت‌های سیاسی جهانی، در مقابل معدودی از مبارزان مسلح به سلاح سبک و نیمه سنگین و پشتیبانی معدودی از کشورهای که خود در میادین بین‌المللی با مشکلات بی‌شماری دست و پنجه نرم می‌کنند قرار داشت.

منطقه حاشیه مرزی لبنان و اسرائیل به عنوان منطقه نفوذ و منطقه احتمالی نبرد برای طرفین جنگ کاملاً شناخته شده و مشخص بود. حزب‌الله چگونه توانست این منطقه را برای پذیرش این جنگ تجهیز و آماده کند؟ توان، تعداد، برد، انبارهای موشک، قدرت انفجار و محل‌های

۹۸..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹  
سکوهاى پرتاب و ... اصلی ترین نیازمندی‌های اطلاعاتی رژیم اسرائیل در طول این جنگ بود که هیچ‌گاه نتوانست حتی به درصدهای از این اطلاعات مورد نیاز خود دست یابد. حزب‌الله با مخفی کردن و مدیریت بر این اطلاعات توانست همراه با وارد کردن ضربات نظامی، خسارات مالی و جانی به اسرائیل، دامنه جنگ را نیز کنترل کند، به عبارت دیگر توانست، قدرت موشکی خود را به نیروی بازدارنده و تعیین کننده در سرنوشت جنگ تبدیل کند.

به کارگیری مرحله‌ای و قدم به قدم این موشک‌ها در برد و تعداد، توانست، در بعد سیاسی، نظامی، محیط داخلی و هم در محیط خارجی، صدمات زیادی را به رژیم وارد کند و شاید بتوان گفت که علت محدود شدن دامنه جنگ یعنی گسترش نیافتن جنگ به پایتخت دو کشور و تعداد روزهای جنگ از ۳۳ روز به مدتی طولانی‌تر از جمله ابتکارات حزب‌الله در مدیریت بر اطلاعات پایه‌ای جنگ از طریق وارد شدن مرحله‌ای، کنترل دامنه و شدت این جنگ بود و این درسی است که باید همه نظامیان دنیا از حزب‌الله بیاموزند (اسدالهی، ۱۳۸۶: ۹۵).

عامل همه این موفقیت‌های حزب‌الله، برتری و مدیریت بر اطلاعات بوده است. شاید حزب‌الله از اول هم می‌توانست تل‌آویو را مورد هدف قرار دهد، خودداری حزب‌الله، در انجام این اقدام، بیشتر از خسارات مادی و نظامی توانست خسارات روحی سنگینی را به این رژیم تحمیل کند و شاید همین عامل به تسلیم دشمن منجر شد.

زمانی که رژیم اشغالگر قدس تصمیم گرفت بیروت را بمباران کند و سیدحسن نصرالله هم متقابلاً برد موشک‌های خود را تا ۳۰ کیلومتری تل‌آویو افزایش داد در اینجا بود که سران اسرائیل جلسه‌ای را تشکیل دادند و هرگونه حمله به بیروت را متوقف کردند (اسدالهی، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

به بیانی اگر هدف از اجرای راهبرد نظامی، دستیابی یا تداوم صلح و یا بازداشتن دشمن از حمله یا محدود کردن قلمرو جنگ است این کار اطلاعاتی ناهم‌تراز سیدحسن نصرالله نمونه و مصداق عینی آن بود. مگر نه اینکه در این راهبرد می‌خواهیم دشمن در یک تصمیم‌گیری عقلایی دریابد که از طریق جنگیدن، به هدفش نخواهد رسید و یا آنکه در صورت مبادرت به تجاوز نظامی، جنگ و خونریزی، هزینه‌ی گزافی را برای دست یافتن به اهدافش باید پردازد؛ به گونه‌ای که ارزش آنچه را که با جنگ به دست خواهد آورد، از ارزش آنچه که از دست خواهد داد، بیشتر نخواهد شد. به عبارت دیگر، در بازدارندگی باید به دشمن تفهیم شود که حتی اگر بتواند

آموزه‌هایی از جنگ ناهمتراز "گذشته تا حال"..... ۹۹

اهداف خود را محقق سازد، این کار، به آسانی و به ارزانی، میسر نخواهد بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این خصوص می‌فرماید: «اگر نیروهای مسلح در یک کشور در آن حد از آمادگی و اقتدار هست که هیبت او بیش از قدرت و توان نظامی به صحنه آمده، هیبت او موجب می‌شود که دشمنان به این کشور طمع نکنند، این، البته برای ارتش مایه سربلندی و افتخار است» (شهلائی، مهرنیا، ولیوند زمانی، ۱۳۸۷: ۱۰۷)

حالت قوی‌تر مدیریت اطلاعات در مقوله نظامی شامل به‌کارگیری رسانه‌های جمعی برای تأثیرگذاری و تخریب روحیه می‌باشد. می‌توان گفت که وسایل ارتباط جمعی نقش مهمی در انتشار اخبار و اطلاعات و از این طریق، شکل‌دهی به افکار عمومی بر عهده دارند. در شرایط جنگی که عملیات روانی اهمیت فزاینده‌ای در به زانو درآوردن دشمن دارد، طرف‌های متخاصم از این ابزار برای رسیدن به اهداف خود بهره می‌جویند.

به طور نمونه تشکیل جلسات فوق سری حزب‌الله و حفظ ارتباطات رادیویی و تلویزیونی با مردم داخل و خارج لبنان در اثنای جنگ همه جهانیان و به ویژه مردم لبنان و بیش از آن‌ها مردم سران رژیم صهیونیستی را مشتاق و کنجکاو شنیدن پیام‌های سید حسن نصرالله کرده بود کمیت، محتوای پیام‌ها و به خصوص صلابت همراه با خون‌سردی و آرامشی که در این پیام‌ها نهفته بود مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری طرفین برای کنترل دامنه جنگ بود و در حقیقت افکار عمومی مردم و ارتش اسرائیل را برای ادامه جنگ سست کرد (اسدالهی، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۰۵).

به همین مصداق می‌توان گفت افکار عمومی جامعه آمریکا نیز به طرز مشابهی توانایی دولت آمریکا را در استفاده از قدرت ویرانگر و برتری مطلق محدود کرده است. در دوران جنگ ویتنام به‌کارگیری روش‌های پارتیزانی و توانایی ویت‌کنگ‌ها در خنثی نمودن حملات آمریکایی‌ها و وارد آوردن ضربه به نیروهای متخاصم در همان زمان، به تدریج افکار عمومی را بر ضد جنگ سوق داد و اراده سیاست‌گذاران آمریکا را در ادامه جنگ سست کرد. از زمان جنگ ویتنام، افکار عمومی آمریکا شدیداً نسبت به تلفات وارده حساس گردیده به خصوص در عملیات نظامی، با این نگرش که آن را مسایل تضعیف‌کننده اهداف امنیتی کشور می‌دانند. در جریان مداخله نظامی آمریکا در سومالی در سال ۱۹۹۳ رابطه غیر معمول با رهبران شورشیان سومالی باعث مرگ ۱۸ سرباز آمریکایی گردید که بعد از برهنه کردن و بستن آن‌ها به کامیون به همین وضع در

۱۰۰..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹  
خیابان‌های مוגادیشو روی زمین در مقابل دوربین و خبرنگاران کشیده شدند این تصاویر  
وحشتناک افکار جامعه آمریکا را بر علیه تجاوزهای نظامی این کشور برانگیخت و خواستار  
عقب‌نشینی سریع نیروها شدند. که این هم با توجه به سوابق، برای یک دشمن هوشمند مانند  
آمریکا خود روشی است (حیبی، ۱۳۸۷: ۶۱).

اما اوج اقتدار مدیریت اطلاعات در یک جو کاملاً ناهم‌تراز ضربه شست اطلاعاتی است که  
سازمان‌های اطلاعاتی را دچار بهت و حیرت می‌نماید و پایه تمامی استدلال‌های پیشین آن‌ها را  
متزلزل، تصمیم‌گیری و محاسبات آن‌ها را در مورد به کارگیری فاز نظامی با ایجاد ابهام به هم  
می‌ریزد و از طرفی افکار عمومی جهان را در مورد یک کشور کاملاً تغییر می‌دهد.

به‌عنوان شاخص‌ترین نمونه وقتی عقاب‌های تیز پرواز ارتش جمهوری اسلامی ایران هواپیمای  
گریزان و نافرمان مسیر دبی - بیشکک را در بندرعباس بر زمین نشانند بمب خبری در دنیا ترکید.  
"ایران بن‌لادن ثانی را زنده و کتف بسته دستگیر کرد" سرکرده تروریست‌ها به خودی خود  
اهمیتی نداشت. آنچه به ماجرا، ابعاد جهانی می‌بخشید، این بود که سرویس‌های اطلاعاتی دست  
کم ۵ کشور شامل آمریکا، انگلیس، عربستان، پاکستان، امارات و رژیم صهیونیستی این گروهک  
تروریستی و سرکرده آن را از پیش، تر و خشک می‌کردند و ضمن حفاظت و مراقبت از او به  
تجهیز مالی و نظامی و اطلاعاتی گروهک ریگی پرداخته بودند.

این دستگیری از آن رو اهمیت پیدا می‌کند که ریگی از جزئیات و مختصات شبکه ۶ ضلعی  
جاسوسی علیه ایران مطلع است، باراندازها، پایگاه‌ها، اتاق‌های امن اطلاعاتی را می‌شناسد و از  
سازوکار ارتباط سرویس‌های پدر خوانده با شبکه مزدوران با خبر است.

پیچیدگی عملیات اطلاعاتی مذکور باعث شد که سازمان‌های جاسوسی جهان حیرت زده  
شوند و با فراخوانی مجموعه منابع و رابط‌های خود، در تلاش برای درک و فهم اجزای این  
عملیات پیچیده عناصر اطلاعاتی و امنیتی ایران برآیند که بعضی از اعترافات آن‌ها حاکی از این  
سر در گمی است:

شبکه خبری فرانس ۲۴ تاکید کرد "ایران در نبرد اطلاعاتی توانست بن‌لادن ثانی را دستگیر  
کند. " شبکه تلویزیونی الجزیره: "زنده دستگیر شدن ریگی برای نیروهای اطلاعاتی ایران بسیار  
مهم بود. " خبر گزار غیر متحدها: "ایران با اشراف نیروهای اطلاعاتی خود موفق شد یک

آموزه‌هایی از جنگ ناهمتراز "گذشته تا حال".....۱۰۱  
تروریست را دستگیر کند. "روزنامه فرانسوی فیگارو نوشت: "دستگیری ریگی غیمتی بزرگ  
برای دستگاه‌های اطلاعاتی ایران مقابل غرب و متحدان محلی آن است" (فصلنامه اطلاعاتی  
حفاظتی جامعه اطلاعاتی، ۱۳۸۸: ۸-۶)

### نتیجه‌گیری:

جنگ ناهمتراز پدیده‌ی جدیدی نیست و از دیر باز در عملیات‌ها و جنگ‌ها وجود داشته است  
اما آنچه که جدید است تاکتیک ناهمتراز است به عبارتی شکوفایی و تبلور جنگ‌های ناهمتراز در  
جنگ‌های امروزی بیشتر نمایان گردیده و دامنه آن بسیار گسترده‌تر شده است. جنگ ناهمتراز به  
سبب ماهیت ویژه‌ی انحصاری خود امکان بهره‌برداری از روش‌های مختلف و متنوع را محتمل  
می‌سازد. به ویژه اینکه گسترش جنگ اطلاعاتی و توسعه وسایل ارتباط جمعی و تأثیر آن‌ها روی  
توده مردم و افکار عمومی جهانیان بر دامنه آن افزوده است؛ لذا امروزه هیچ قدرت بزرگی را  
نمی‌توان در جهان یافت که در مقابل عملیات ناهمتراز آسیب‌پذیر نباشد. اکنون می‌توان گفت که  
در نظام جدید بین‌المللی جنگ ناهمتراز به عنوان یک سلاح برنده به صورت یک جریان فکری  
جای پای خود را باز نموده و تجارب حاصل از این جنگ‌ها به ویژه جنگ‌های اخیر، افسانه  
شکست‌ناپذیری ارتش‌های مدرن دنیا را به چالش کشیده، به طوری که در اقل‌افکار عمومی  
مردم دنیا تأثیری دو طرفه ایجاد نموده است از یک طرف جرأت تعرض را از کشورهای  
استعمارگر و زیاده‌خواه سلب نموده و از طرفی اراده مردم کشورهای ضعیف را در جهت دفاع و  
حفظ بقاء خود مصمم نموده است.

امروزه الگوی جنگ‌های ناهمتراز چنان بر مخالفان نظم جهانی مد نظر ایالات متحده آمریکا  
تأثیر گذاشته است که حتی گروه‌های کوچک تروریستی هم در مقابل قدرت‌های بزرگ  
عرض اندام می‌کنند تا جایی که اسامه بن لادن در پاسخ به سوال حمید میر روزنامه نگار پاکستانی  
در ۱۸ مارس ۱۹۹۷ گفت: " اگر روسیه قابل نابود شدن است، گردن آمریکا را هم می‌توان زد".  
پس می‌توان چنین استنباط کرد تهدید مستمر کشور ایران توسط آمریکا به ویژه بعد از اینکه به  
بهبان‌های مختلف از جمله حمایت از کویت در مقابل صدام و مبارزه با تروریسم و سلاح هسته‌ای  
به همسایه‌ی جدیدی برای ما تبدیل شده است، سرآغاز فصل جدیدی در تغییر راهبرد نظامی

۱۰۲..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹  
کشور ما، متناسب با این تهدید و تغییرات سریع محیط خارجی شده است. راهبردی که بتواند با  
اتکا به "فکر و اندیشه نو" نقاط قوت را تقویت و با بهره گیری از فرصت‌ها و نقاط ضعف دشمن،  
در درجه اول موجب بازدارندگی او از تعرض و تجاوز، و در صورت تعرض ماشین جنگی او را  
بشکند.

### منابع:

- ۱- گروه تحقیق و تألیف (۱۳۸۲). انقلاب در امور نظامی. گروه تحقیق و تألیف ماهنامه نگاه - سال  
چهارم شماره ۳۶، تیرماه ۱۳۸۲.
- ۲- السن، جان اندریس (۱۳۸۴) جنگ نامتقارن. تهران: گروه مترجمین ستاد مشترک سپاه پاسداران  
انقلاب اسلامی.
- ۳- پیترز، جان (۱۳۷۸). معماری نظامی آمریکا بر پایه نظم نوین جهانی مترجم سید حسین محمدی  
نجم، تهران، دور عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۴- تزو، سن (۱۳۸۳). هنر جنگاوری. ترجمه علی کردستی، نشر افزار، چاپ اول.
- ۵- جامعه اطلاعاتی، فصلنامه اطلاعاتی حفاظتی جامعه اطلاعاتی، مرکز آموزش و پژوهشی شهید  
سپهبد صیاد شیرازی، سال دوم، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۸
- ۶- جنگ و دفاع سایبر- ماهنامه اندیشگاه شریف و اندیشکده کاوشگران آینده - دی ماه ۱۳۸۴
- ۷- حبیبی، نیکبخش (۱۳۸۷). نبرد ناهمتر از (جنگ نامتقارن) در فضای عدم تقارن. جزوه آموزشی  
دافوس آجا.
- ۸- سبحانی، جعفر (۱۳۵۱). فروغ ابدیت. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، جلد ۲.
- ۹- شهلایی، ناصر و مهرنیا، احمد و ولیوند زمانی، حسین (۱۳۸۷). نظریه‌های راهبردی. دانشکده  
فرماندهی و ستاد.
- ۱۰- زهتاب، یعقوب، جنگ‌های آینده، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۶
- ۱۱- کورمونت، بارتلمی و یبینیکار، دار کور، جنگ‌های نامتقارن، مترجمان: علی سجادی انصاری  
و غلامرضا آتش فرازا، انتشارات ساعس، ۱۳۸۵
- ۱۲- مسعود اسدالهی. جنبش حزب الله لبنان، گذشته و حال ۱۳۸۶